گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۶۴۱۲
سه شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ ۱۳:۴۶

جنگ ایران چگونه بازار انرژی آمریکا را به هم ریخت؟

تنگه هرمز به پاشنه آشیل ترامپ تبدیل شد

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، فراتر از پیامدهای نظامی و ژئوپلیتیک، به عاملی اثرگذار بر بازار جهانی انرژی و اقتصاد آمریکا تبدیل شد. افزایش قیمت نفت به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه، عبور بهای بنزین از مرز ۴ دلار در هر گالن و افزایش هزینه سوخت و تولید، فشار اقتصادی قابل‌توجهی بر خانوارها و بخش کشاورزی آمریکا وارد کرد. اندیشکده آسیا تایمز در گزارشی تأکید کرده است که همین پیامدهای انرژی‌محور، برخلاف محاسبات اولیه کاخ سفید، به یکی از عوامل اصلی شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ تبدیل شد.<;br&#۴۷>

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: جنگ علیه ایران که در محاسبات اولیه واشنگتن قرار بود عملیاتی کوتاه‌مدت و کم‌هزینه باشد، به بحرانی فراتر از میدان نظامی تبدیل شد و بازار انرژی را در مرکز پیامدهای اقتصادی آن قرار داد. تشدید تنش‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز و حملات متقابل به زیرساخت‌های انرژی، نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه نفت را افزایش داد و قیمت جهانی این کالای راهبردی را به سطوح بالاتری رساند. بر اساس گزارش اندیشکده آسیا تایمز، افزایش قیمت نفت به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه و عبور قیمت بنزین در آمریکا از چهار دلار به ازای هر گالن، هزینه‌های زندگی را برای شهروندان آمریکایی افزایش داد. این تحولات نشان داد که تبعات یک جنگ در خاورمیانه می‌تواند به‌سرعت از مرزهای منطقه عبور کند و مستقیماً در هزینه حمل‌ونقل، تولید محصولات کشاورزی و معیشت خانوارهای آمریکایی نمایان شود. در واقع، جنگی که با هدف نمایش قدرت نظامی آمریکا و بازتعریف موازنه قدرت در خاورمیانه آغاز شد، به عاملی برای افزایش هزینه انرژی در داخل این کشور تبدیل شد؛ موضوعی که در نهایت پیامدهای سیاسی آن نیز در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ آشکار شد.

تنگه هرمز؛ نقطه حساس بازار جهانی انرژی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ علیه ایران، افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت زیرساخت‌های انرژی و مسیرهای انتقال نفت در خلیج فارس بود. حملات به زیرساخت‌های انرژی منطقه و تشدید ناامنی در اطراف تنگه هرمز، بازار جهانی نفت را با چشم‌انداز اختلال در عرضه مواجه کرد. اهمیت این تحولات از آن جهت است که تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انتقال انرژی در جهان به شمار می‌رود و هرگونه اختلال در تردد نفتکش‌ها یا آسیب به تأسیسات نفتی منطقه می‌تواند عرضه جهانی نفت را تحت فشار قرار دهد. با افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک، معامله‌گران بازار انرژی نیز ناچار شدند احتمال اختلال در عرضه را در قیمت‌گذاری نفت لحاظ کنند. در چنین شرایطی، حتی بدون توقف کامل صادرات نفت، افزایش هزینه بیمه نفتکش‌ها، حمل‌ونقل دریایی و نگرانی از تداوم درگیری‌ها می‌تواند قیمت انرژی را افزایش دهد. این وضعیت نشان داد که امنیت انرژی جهان تا چه اندازه به ثبات خلیج فارس وابسته است و پیامدهای یک درگیری نظامی در این منطقه می‌تواند اقتصاد کشورهای مصرف‌کننده انرژی را تحت تأثیر قرار دهد.

افزایش قیمت بنزین؛ هزینه جنگ به اقتصاد آمریکا رسید

در حالی که مقام‌های آمریکایی در ابتدای جنگ از کوتاه‌مدت بودن عملیات نظامی سخن می‌گفتند، افزایش قیمت نفت به‌سرعت در بازار سوخت این کشور منعکس شد. قیمت بنزین برای نخستین بار از سال ۲۰۲۲ از چهار دلار در هر گالن عبور کرد و فشار مضاعفی بر خانوارهای آمریکایی وارد آورد. افزایش قیمت سوخت تنها به مصرف‌کنندگان خودرو محدود نماند. بخش حمل‌ونقل، صنایع وابسته به انرژی و کشاورزی نیز با افزایش هزینه‌های عملیاتی مواجه شدند. کشاورزان در ایالت‌هایی مانند آیووا، به‌ویژه از افزایش هزینه گازوئیل و کودهای شیمیایی آسیب دیدند؛ چراکه افزایش قیمت انرژی، هزینه تولید و انتقال محصولات کشاورزی را نیز بالا می‌برد.به این ترتیب، پیامدهای جنگ از بازار نفت به بخش‌های مختلف اقتصاد آمریکا منتقل شد. افزایش هزینه انرژی، قدرت خرید خانوارها را کاهش داد و فشار تورمی را تشدید کرد؛ شرایطی که برای دولت ترامپ در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای هزینه سیاسی سنگینی به همراه داشت.

انرژی به پاشنه آشیل انتخاباتی ترامپ تبدیل شد

بر اساس تحلیل آسیا تایمز، جمهوری‌خواهان در ابتدا تصور می‌کردند جنگ علیه ایران موضوعی فرعی در رقابت‌های انتخاباتی خواهد بود، اما افزایش قیمت انرژی باعث شد این موضوع به یکی از محورهای اصلی انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ تبدیل شود. طبق نظرسنجی‌های مورد اشاره در این گزارش، ۷۴ درصد رأی‌دهندگان اعلام کردند که جنگ علیه ایران تأثیر عمده یا تعیین‌کننده‌ای بر رأی آنها داشته است. همچنین حدود ۶۲ تا ۶۳ درصد از شرکت‌کنندگان، اقدام نظامی علیه ایران را تصمیمی اشتباه ارزیابی کردند. دموکرات‌ها نیز توانستند با برجسته کردن هزینه‌های اقتصادی جنگ، افزایش قیمت بنزین و فشار بر هزینه‌های زندگی، بخشی از نارضایتی عمومی را به سود خود هدایت کنند.در این میان، ایالت‌های کشاورزی اهمیت ویژه‌ای پیدا کردند. در آیووا، دموکرات‌ها با پیوند دادن جنگ به افزایش هزینه سوخت، کود و تولید محصولات کشاورزی، تلاش کردند نارضایتی اقتصادی رأی‌دهندگان را به سیاست خارجی دولت ترامپ مرتبط کنند.این تحولات نشان داد که سیاست خارجی و امنیت انرژی، برخلاف تصور اولیه جمهوری‌خواهان، از یکدیگر جدا نیستند. افزایش قیمت نفت در بازار جهانی می‌تواند در فاصله‌ای کوتاه به افزایش قیمت بنزین در پمپ‌بنزین‌های آمریکا منجر شود و به عاملی تعیین‌کننده در ارزیابی عملکرد دولت تبدیل شود.

شکست راهبرد انرژی و سیاست خارجی جمهوری‌خواهان

دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴ با وعده پایان دادن به جنگ‌های پرهزینه خارجی و اولویت دادن به مسائل داخلی، حمایت بخش مهمی از

رأی‌دهندگان طبقه کارگر و مناطق روستایی آمریکا را به دست آورده بود. با این حال، ورود آمریکا به جنگ علیه ایران با همان وعده‌ها در تضاد قرار گرفت. افزایش هزینه انرژی و فشار اقتصادی ناشی از جنگ باعث شد بخشی از پایگاه رأی جمهوری‌خواهان نسبت به سیاست‌های دولت در خاورمیانه دچار تردید شود. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نیز پس از شکست جمهوری‌خواهان، جنگ را یکی از دلایل اصلی این نتیجه دانست؛ موضعی که ترامپ نیز آن را تا حد زیادی تأیید کرد. از سوی دیگر، بخشی از جریان نومحافظه‌کار آمریکا معتقد بود مشکل اصلی جنگ، نه اصل ورود به درگیری، بلکه کافی نبودن شدت عملیات نظامی بود. این دیدگاه نشان می‌دهد که در داخل ساختار سیاسی آمریکا همچنان درباره نحوه مواجهه با ایران اختلاف نظر وجود دارد. با این حال، آنچه در عرصه اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا کرد، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگ برای بازار انرژی و مصرف‌کنندگان آمریکایی بود؛ هزینه‌هایی که حتی با پایان عملیات نظامی نیز لزوماً به‌سرعت از اقتصاد حذف نمی‌شوند.

آیا تغییر ترکیب کنگره به کاهش تنش در بازار انرژی منجر می‌شود؟

شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، بحث درباره آینده سیاست خارجی و نظامی آمریکا را نیز افزایش داده است. دموکرات‌ها که توانستند کنترل مجلس نمایندگان و سنا را به دست بگیرند، اکنون از ابزارهای نظارتی و مالی کنگره برای اعمال فشار بر دولت ترامپ برخوردارند. چاک شومر، رهبر دموکرات‌های سنا، وعده داده است از قدرت مالی کنگره برای پایان دادن به جنگ استفاده کند. حکیم جفریز نیز خواستار پایان درگیری‌ها پیش از تشکیل کنگره جدید در ژانویه شده است. با این حال، موضع دموکرات‌ها در قبال جنگ یکدست نیست. بخش قابل‌توجهی از انتقادهای این حزب متوجه هزینه‌های جنگ و نحوه مدیریت آن بوده و نه لزوماً مخالفت با اصل مداخله نظامی آمریکا. از منظر بازار انرژی، تغییر ترکیب کنگره می‌تواند بر تصمیمات آینده دولت در زمینه ادامه عملیات نظامی، تأمین بودجه جنگ و نحوه مدیریت تنش‌های منطقه‌ای اثرگذار باشد. با این حال، تا زمانی که خطر درگیری در خلیج فارس و تنگه هرمز پابرجا باشد، بازار نفت همچنان در معرض ریسک‌های ژئوپلیتیک قرار خواهد داشت.

جنگ علیه ایران؛ هزینه‌ای فراتر از میدان نظامی

تحلیل اندیشکده آسیا تایمز نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ علیه ایران برای آمریکا، انتقال هزینه‌های درگیری از میدان نظامی به اقتصاد داخلی بوده است. افزایش قیمت نفت، رشد بهای بنزین و بالا رفتن هزینه تولید و حمل‌ونقل، جنگ را به مسئله‌ای ملموس در زندگی روزمره شهروندان آمریکایی تبدیل کرد. این تجربه بار دیگر نشان داد که در اقتصاد جهانی، امنیت انرژی و ثبات سیاسی به‌شدت به یکدیگر وابسته‌اند. هرگونه تنش در یکی از مهم‌ترین مناطق تولید و انتقال نفت جهان می‌تواند بازارهای بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد و هزینه آن را به مصرف‌کنندگان در نقاط مختلف جهان منتقل کند. در نهایت، جنگی که قرار بود قدرت آمریکا را در خاورمیانه به نمایش بگذارد، با افزایش هزینه انرژی و تشدید فشار اقتصادی، به یکی از عوامل تضعیف موقعیت انتخاباتی دولت ترامپ تبدیل شد. به این ترتیب، بازار انرژی نه‌تنها یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تأثیرپذیر از جنگ بود، بلکه به عاملی تعیین‌کننده در بازتاب سیاسی و اقتصادی آن در داخل آمریکا تبدیل شد.